



میراث عرفانی ایران

۲

نوشته بر دریا

از میراث عرفانی ابوالحسن خرقانی

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی

فهرست

۱۵	یادآوری
۱۹	در ستایش بُلْحَسَنِ خَرَقَانِي (مهدی اخوان ثالث)
۲۳	مقدمه
۲۳	ابوالحسن خرقانی
۲۸	جایگاه خرقانی در عرفان ایرانی و اسلامی
۳۵	خرقانی و کرامات
۳۶	انسان دوستی بوالحسن
۳۸	تسامح و تساهل خرقانی
۳۹	ابوالحسن و سماع
۴۰	خرقانی و سفر
۴۳	صمیمیت با خدا
۴۴	من و تو کردن او با حق
۴۷	شعر ناب
۵۱	گریز از استعاره، و بر محور تمثیل
۵۵	کهکشانی بودن معیارها
۵۶	کشتی گرفتن با خدا

۵۹	ترس و لرزِ ابوالحسن
۶۰	خرقانی، عارفِ اُمّی
۶۴	ابوالحسن و جوانمردی
۶۵	در مرکزِ آموزشهای خرقانی
۶۸	مذهبِ کلامیِ خرقانی
۶۸	مذهبِ فقهیِ خرقانی
۶۹	خرقانی و قدرتهای سیاسی عصر
۷۳	خانقاهِ ابوالحسن
۷۶	دیدارِ ابن سینا و شیخ ابوالحسن خرقانی
۷۸	خرقانی و بایزید
۷۹	همسرِ خرقانی
۸۲	آثار منسوب به خرقانی
۸۶	ارزیابیِ روایات تذکرة الاولیاء
۸۷	دربارهٔ مقامات ابوالحسن خرقانی
۹۷	جغرافیای تألیفِ مقاماتِ خرقانی
۱۱۴	بازمانده‌های زبانِ قدیم قومس در سخنانِ ابوالحسنِ خرقانی
۱۳۷	ذکر شیخ ابوالحسن خرقانی رحمة الله علیه
۲۳۳	ذکر قطب السالکین ابوالحسن خرقانی قدس سرّه
۲۶۹	از گفتار ابوالحسن خرقانی
۳۳۷	المنتخبُ مِنْ کتابِ نور العلوم
۳۳۸	باب اوّل در سؤال و جواب
۳۴۳	باب دوم در وعظ و نصیحت
۳۴۵	باب سوم
۳۴۵	باب چهارم در لطف
۳۴۶	الباب الخامس فی المناجاة من کتاب نورالعلوم
۳۴۷	الباب السادس فی الهیّمان

- ۳۴۸.....الباب السابع فى وحى القلوب
- ۳۴۹.....الباب الثامن فى المجاهدة
- ۳۵۲.....الباب التاسع فى الحكايات
- ۳۶۶.....باب دهم مناقب شيخ ابوالحسن خرقانى، رحمه الله
- ۳۷۸.....در رياضت نفس و در عبادت
- ۳۷۸.....در مرگ غريب
- ۳۷۸.....در حلال خوردن
- ۳۷۹.....اثر دعا
- ۳۸۱.....افزوده‌ها
- ۳۸۵.....ابوالحسن خرقانى در حديث ديگران (از قشيري تا جامي)
- ۳۸۶.....ابوالقاسم قشيري در الرسالة، تأليف شده به سال ۴۳۷
- ۳۸۶.....على بن عثمان هجویری (نیمه دوم قرن پنجم)
- ۳۸۷.....خواجه عبدالله انصاری (متوفی ۴۸۱)
- ۳۹۱.....ابوالرجاء چاچی (متوفی ۵۱۶)
- ۳۹۳.....رشیدالدین میبدی، تألیف ۵۲۰
- ۳۹۴.....عين القضاة همدانی (شهید در ۵۲۵)
- ۳۹۶.....احمد غزالی (متوفی ۵۲۰)
- ۳۹۷.....شهاب‌الدین احمد سمعانی مروزی (نیمه اول قرن ششم)
- ۳۹۸.....جمال‌الدین ابوزوح میهنی (قبل از ۵۴۱)
- ۳۹۸.....ابوسعبد سمعانی (متوفی ۵۶۲)
- ۴۰۰.....از مقامات ابوسعید ابوالخیر (قرن ششم؟)
- ۴۰۱.....از اسرار التوحید، محمد بن منور، تألیف به سال ۵۷۴
- ۴۱۲.....شيخ اشراق شهاب‌الدین سهروردی (شهید ۵۸۷)
- ۴۱۲.....ابوالفرج ابن جوزی (متوفی ۵۹۷)
- ۴۱۳.....روزبهان بقلی شیرازی (متوفی ۶۰۶)
- ۴۱۳.....سدیدالدین محمد عوفی، آغاز قرن هفتم
- ۴۱۴.....نجم‌الدین کبری (شهید در ۶۱۸)

۴۱۵.....	مجدالدین بغدادی (مقتول در ۶۱۶)
۴۱۷.....	نجم‌الدین رازی (متوفی ۶۴۵)
۴۱۸.....	شمس‌الدین تبریزی (مقتول در ۶۴۵)
۴۱۸.....	عثمان بن محمد اوزجندی (قرن هفتم؟)
۴۱۹.....	تاج‌الدین اشنوی (نیمه اول قرن هفتم)
۴۲۰.....	زکریا بن محمد قزوینی (متوفی ۶۸۲)
۴۲۰.....	فخرالدین عراقی (متوفی ۶۸۸)
۴۲۱.....	نورالدین اسفراینی متوفی ۷۱۷
۴۲۲.....	حمّد مستوفی قزوینی (متوفی بعد از ۷۲۰)
۴۲۳.....	ابن خرقانی (قرن هشتم)
۴۲۵.....	محمود بن عثمان، تألیف ۷۴۸
۴۲۷.....	از بیاض تاج‌الدین احمد وزیر (۷۸۲)
۴۲۸.....	شمس‌الدین افلاکی (قرن هشتم)
۴۲۹.....	رساله در فتوّت، از مؤلفی نامعلوم (قرن هشتم)
۴۲۹.....	خواجه محمد پارسا (متوفی ۸۲۲)
۴۳۰.....	زین‌الدین خوافی (متوفی ۸۳۸)
۴۳۰.....	عبدالرحمن جامی (متوفی ۸۹۸)
۴۳۶.....	مناجاتی منسوب به خرقانی
۴۳۹.....	نجم رازی و تفسیر شطح ابوالحسن خرقانی
۴۳۹.....	I مقدمه
۴۵۰.....	II ترجمه فارسی
۴۶۵.....	III متن عربی رساله
۴۷۷.....	IV نگاهی انتقادی به این رساله
۴۸۳.....	نسخه‌بدلها
۴۹۳.....	تعلیقات
۵۵۳.....	فهرست راهنما
	فهرست مراجع

بر همه چیزی کتابت بُود،

مگر

بر آب

و اگر گذر کنی بر دریا،

از خونِ خویش

بر آب

کتابت کن

تا آن کز پی تو در آید

داند که

عاشقان و

مستان و

سوختگان رفته اند.

ابوالحسن خرقانی

یادآوری

نوشته بر دریا نیز محصول جنبی تحقیق در تذکرة الأولیاء عطار است، درست مانند کتاب پیشین که دفتر روشنایی نام گرفت. از سالیانی دور، به هنگام تصحیح و تحقیق درباره تذکرة الأولیاء، برای دستیابی به منابع اصلی سخنان عطار، ناچار بودم که آنچه را درباره شیخ ابوالحسن خرقانی (۳۵۲-۴۲۵) وجود داشت (یا بهتر است بگویم: یافتم) مورد بررسی و تصحیح قرار دهم تا در بخش زندگینامه خرقانی، از تذکرة الأولیاء، بتوانم با اطمینان متن را بررسی کنم. چنان که خواهید دید، این کتاب از چندین بخش تشکیل شده است: پس از مقدمه‌ای درباره زندگی و احوال و مقامات شیخ ابوالحسن خرقانی و نیز بحثی گسترده درباره زبان ویژه او، که به لهجه خرقان و ناحیه قومس بوده است، پنج نوع متن کهن درباره او در این کتاب گردآوری و تصحیح مجدد و عرضه شده است: دو روایت کاملاً متفاوت از تذکرة الأولیاء؛ رساله‌ای با عنوان ذکر قطب

السالکین؛ نیز منتخب نور العلوم، منسوب به خرقانی؛ و در پایان آنچه پراکنده در متون فارسی و عربی دربارهٔ ابوالحسن خرقانی وجود داشته و تا قرن نهم شناخته آمده است (حدود سی و چهار متن)؛ و پس از آن رساله‌ای است از نجم‌الدین رازی معروف به دایه (۵۷۳-۶۵۴) که به زبان عربی تفسیری نگاشته است بر یکی از شطح‌های بحث‌انگیز پیر خرقان. در این کتاب، هم متن عربی رسالهٔ نجم رازی تصحیح انتقادی شده و هم ترجمه‌ای به فارسی از این رساله فراهم آمده است، با تحلیلی دربارهٔ آن رساله. در خاتمهٔ کتاب نیز بحث در نسخه‌بدهای روایت زندگی خرقانی در تذکره مورد بررسی قرار گرفته و پس از آن تعلیقاتی دربارهٔ موارد مبهم یا نیازمند به توضیح؛ تا بر خوانندگان این کتاب چیزی پوشیده نماند. تفصیل تمامی این سخنان را در مقدمهٔ کتاب ملاحظه خواهید کرد. آنچه در اینجا باید بدان تصریح شود این است که دو متن از چهار متن برای اولین بار تصحیح انتقادی شده است (یک روایت از تذکره و ذکر قطب السالکین) و دو متن دیگر نیز بر اساس نسخه‌هایی کهن و نویافته از تذکرهٔ الأولیاء تصحیح مجدد شده و در آن نسبت به پژوهشهای قبلی گامهایی به پیش برداشته شده است. این کتاب و کتاب دفتر روشنایی و نیز کتابهایی که با عنوان چشیدن طعم وقت (دربارهٔ ابوسعید ابوالخیر) و در هرگز و همیشه انسان (دربارهٔ خواجه عبدالله انصاری) و درویش ستهنده (دربارهٔ شیخ جام‌زننده پیل) همراه با این کتاب نشر خواهد شد، پیش از این قرار

بود در یک مجلد و با عنوان «پیران خراسان» انتشار یابد. مصلحت دیدِ دوستان و ناشر چنین خواستار آمد که هرکدام به صورت کتابی مفرّد انتشار یابد. بنابراین، کتابی که از حدود سی سال قبل با عنوان «پیران خراسان» آگهی شده بود و بنا بود بر دستِ این جانب نشر یابد، تبدیل به این پنج کتاب گردید.

بخشهایی از مقدمه، دربارهٔ زبانِ ویژهٔ خرقانی، و نیز تفسیر و تحلیل رسالهٔ نجم‌الدین رازی را به صورت مقالاتی جداگانه و برای مقاصدی متفاوت فراهم آورده بودم، بنابراین، به همان صورت باقی ماند و اگر دوسه نکتهٔ جزئی، در خلال این مقدمه و آن رساله، تکرار شده باشد در گردابِ این گرفتاریها و مشغله‌ها که من دارم، عذرش پذیرفتنی است.

در خاتمهٔ این یادداشت باید سپاسگزاری کنم از دکتر یدالله جلالی پندری، از دانشگاه یزد، که به سالیانی دور رسالهٔ ذکر قطب السالکین را از روی نسخهٔ منحصر به فردِ آن به خطِ خود بازنویسی کرد و نیز سپاسگزارم از دکتر عارف نوشاهی که دسترسی به نسخهٔ تذکرة الأولیاء کتابخانهٔ گنج‌بخش از لطف و محبت او، به حاصل آمد، و نیز از دکتر کورش حاذقی (مقیم پاریس) که فیلم نسخهٔ رسالهٔ نجم‌الدین رازی را، از کتابخانهٔ ملی پاریس، برایم فراهم آورد و الحمد لله أولاً و آخراً.

محمد رضا شفیعی کدکنی

تهران، شهریور ۱۳۸۴

در ستایش بُلْحَسَنِ خَرَقَانِي
مهدی اخوان ثالث

ای پاک‌زاد و پاک‌تر از پاک
وی خاکسارِ برتر از افلاک
مسجودِ کعبه شد خَرَقَانَت
چونین که کرد، بُلْحَسَن، اِلَاک.
هم عیسی و خیلِ خِرَانُ ران
هم شهبوارِ عرصهٔ ادراک
هم عارفِ معارفِ هستی
هم نایبِ ولایتِ «لولاک»
چون تو گلی منور و عطار
بی خار، کم برآمده از خاک
کم چون تو، بر زواج پریده‌ست
در شطح، ای پرندهٔ چالاک!

در حربِ ماورای طبیعت
 شطحت، چو تیغ، گرم چکاچاک
 در شعرِ باخدای چخیدن
 گُستاخ چون تو نبُود و بی باک
 ما را تویی زبان و زبانه
 ای برکشانده شعله به افلاک!
 دیدم که در شکارِ سماوات
 بس لاشه بسته‌ای تو به فتراک
 بس خرقه پوشِ دون، که کشف‌وار،
 از عقل و نقلِ یاوه کند لاک
 از عقل و نقلِ یاوه، تو رستی
 که ت عشق داد خرقه و پوشاک
 تو شهریارِ مُلکتِ عشقی
 نار و نعیم رانده ز آملاک
 شعرِ عروج و شادیِ انسان
 گفتی بسی و سینه ز غم چاک
 اندوه را تو کوهی و بشکوه
 توفان به گاهِ شادی و کولاک
 قدرِ بشر ز عَرشِ فراتر
 بُردی و روفتی خس و خاشاک

تاجِ شکوهِ بازِ خدایی
هِشْتی به تارکِ پسرِ خاک
شعرتِ شرابِ طور و طهور است
آب از چه چشمه‌ای خوردت تاک؟
«طابَ ثراک» و «طیبَ فاک» ار،
گویم تو را، چه کرده‌ام؟ - امساک.
شکرِ تو را چه گونه گزارد
امید، ای شکایتِ غمناک!
در حقّ تو جزین نتوان گفت:
ای خاکِ زادِ پاک‌تر از پاک.*

مقدمه

ابوالحسن خرقانی

جای دیگر از همین یادداشتها به دو ویژگی در صورت و معنی میراث روحانی ابوالحسن خرقانی سخن گفته‌ام و نشان داده‌ام که او لهجه خاصی داشته که امروز نشانه‌های اندکی از آن باقی است و کاتبان و راویان سخن او، به تدریج، آن لهجه را به زبان رسمی نوشته‌های ادبی قرن ششم و هفتم درآورده‌اند. از آنجا که زبان عارف، روی دیگر سکه تجربه‌های روحانی اوست، آن ظرافتها که در اصل میراث معنوی او وجود داشته به گلی از میان رفته است. همچنان که بازمانده‌های سخن بایزید نیز چنین سرنوشتی داشته است. با این همه، روایات گوناگونی که از احوال و اقوال ابوالحسن خرقانی به دست آمده است، از یک چهره منحصر به فرد در قلمرو عرفان ایرانی سخن می‌گوید؛ چهره‌ای که با همه شباهت‌هایش با بایزید و بوسعید و دیگران همچنان صدایی است تنها و منحصر.